

مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان

(با تأکید بر نظر امام خمینی)

دکتر قاسم جعفری

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور)

معاونت پژوهشی

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

۱۳۸۸

فهرست مطالب

۱	مقدمه
	فصل اول: بررسی مفهوم نظارت، منشا مشروعیت و تکالیف تاریخی به آن
۱۲	بخش اول: مفاهیم لغوی و اصطلاحی و ازمها (کلیات)
۱۲	مفهوم واژه نظارت
۱۳	انواع نظارت
۱۴	مفهوم شهروند
۱۶	مفهوم واژه حاکم
۱۸	بخش دوم: منشا مشروعیت نظارت
۱۹	اندیشه عدالت و قانون طبیعی
۱۹	معنای لغوی عدل
۲۰	مفهوم قانون طبیعی
۲۳	ارزیابی نظریه قانون طبیعی
۲۵	محاسن این نظریه‌ها از نگاه مدافعان
۲۶	جایگاه نظریه در عصر حاضر
۲۷	نظریه قرارداد اجتماعی و نظارت
۲۸	بیان هابز از قرارداد اجتماعی
۳۰	بیان جان لاک از قرارداد اجتماعی
۳۲	نتایج نظریه قرارداد اجتماعی
۳۳	ایرادات وارده بر نظریه قرارداد اجتماعی
۳۳	ارزیابی نظریه قرارداد اجتماعی
۳۵	قراردادهای حقوق بشر و نظارت
۳۷	الف) میثاقها و بیانیه‌های حقوق بشر
۳۹	ب) ارزش قانونی میثاقهای حقوقی
۴۰	ج) میثاقهای حقوقی و شرایط کنونی

۴۲	بخش سوم: اندیشه اجتماعی اسلام و نظارت
۴۲	اعتقاد توحیدی زیر بنای جامعه اسلامی
۴۷	انسان خلیفه خدا بر زمین
۴۹	معنا و مفهوم خلافت
۵۱	خلافت خدا و نه جانشینی غیر خدا
۵۳	جانشینی خدا تحقق بخش شأن والای انسانی
۵۴	سخن نهایی در این باب
۵۸	نکاتی در تبیین حکومت داری پیامبر (ص)
۵۸	سیره عملی پیامبر و نظارت
۵۸	سادگی پیامبر و عنایت به جنبه عبودیت
۶۰	سادگی سیستم حکومتی پیامبر (ص) و سهولت نظارت بر آن
۶۲	پیامبر (ص) در امور دنیایی بر اساس متعارف عمل می کرد
۶۶	بخش چهارم: ریشه های تاریخی نظارت پس از پیامبر (ص)
۶۶	اندیشه نظارت در عهد خلفا
۷۲	حضرت علی (ع) و نظارت مردمی
۷۶	نظارت پس از عصر خلفای چهارگانه

فصل دوم: گستره نظارت انواع و روشهای آن

۸۴	بخش اول: انواع نظارت
۸۴	ارکان نظارت
۸۶	نظارت خداوند در قرآن کریم
۸۹	نظارت فرشتگان بر انسان
۹۰	نظارت اعضاء و جوارح بر انسان
۹۱	نتیجه اعتقاد به نظارت خداوند، ملائکه، اعضاء و جوارح
۹۱	عبادت و خودکنترلی
۹۳	نمونه ای از حاکمان معتقد به نظارت الهی
۹۵	پیامبران و اولیاء ناظران بر مردم

۹۸	دو نکته در خصوص اعتقاد به شاهد بودن اولیاء
۱۰۰	بخش هوم: روشهای کلی اعمال نظارت مردمی
۱۰۰	الف) اعمال نظارت بر مسئولان توسط حکومت به نمایندگی از مردم
۱۰۵	جسبه
۱۰۸	ب) نظارت بی واسطه افراد ملت بر کار مسئولان
۱۰۸	نقش علم و آگاهی در احساس مسئولیت نظارت
۱۱۲	نظارت از دیدگاه محقق نایینی
۱۱۷	نظارت مردمی امری طبیعی
۱۱۸	هدف از نظارت
۱۱۹	روشهای کلی نظارت از دیدگاه یک نویسنده اهل سنت
۱۲۵	نگاهی اجمالی به نظارت مردمی، ادله و فواید آن
۱۳۰	منابع اقتدار حاکم
	فصل سوم: ادله شرعی نظارت شهروندان بر حاکمان
۱۳۶	سخن تمهیدی
۱۳۸	بخش اول: چند نکته ضروری امر به معروف و نهی از منکر
۱۴۴	بخش دوم: امر به معروف و نهی از منکر و ادله حجیت آن
۱۴۶	دلایل کتاب بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۵	سخن بر حذر ماندگان از این دو فرضیه
۱۶۱	دلیل سنت بر امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۶	احادیث مشعر به عدم وجوب امر و نهی
۱۶۶	الف) ادله مانعین وجوب
۱۶۸	ب) پاسخ ادله مانعین وجوب
۱۶۹	ج) پاره‌ای از متون مشعر به عدم وجوب
۱۷۱	د) پاسخ روایات مشعر به عدم وجوب
۱۷۳	دلیل عقل در حجیت امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۹	نتیجه بحث

- توجیه روایی استناد به ادله امر به معروف و نهی از منکر در مشروعیت نظارت ۱۸۰
- ده سؤال مهم در تکملة بحث ۱۸۰
- ۱۹۲ وظیفه حاکم معصوم (۲) در نظارت پذیری
- ۱۹۳ وظیفه حاکم عادل غیر معصوم در نظارت پذیری
- ۱۹۴ نکته‌ای مهم در شیوة انتقاد از حاکم
- ۱۹۶ حاکم اسلامی و منتقدان مغرض
- ۲۰۰ بخش سوم: باب نصیحت و نظارت شهروندان
- ۲۰۰ الف) معنای لغوی و اصطلاحی نصیحت
- ۲۰۲ ب) ارزش نصیحت در دین و ضرورت آن
- ۲۰۳ ج) مصادیقی از نصیحت
- ۲۰۴ د) نصیحت ابتدایی و استنصاحی
- ۲۰۶ هـ) شرط نیت در نصیحت و ضرورت نصیحت پذیری
- ۲۰۸ و) وظیفه حاکمان در برخورد با ناصحان
- ۲۱۰ طرح دو سؤال مهم در باب نصیحت
- ۲۱۴ طرح دو نکته در باب نصیحت
- ۲۱۸ حضور در صحنه مسئولیت از منظر امام خمینی
- ۲۲۰ بخش چهارم: ادله ارشاد جاهل و نظارت
- ۲۲۱ معنای لغوی و اصطلاحی ارشاد
- ۲۲۲ ارشاد ابتدایی و استرشادی
- ۲۲۳ حکم ارشاد در احکام و موضوعات
- ۲۲۵ ادله قاعده ارشاد
- ۲۲۷ ارتباط بحث ارشاد جاهل به نظارت
- فصل چهارم: نظارت مردمی و پاسخ‌گویی مسئولان
- ۲۳۰ بخش اول: وظیفه حاکمان در پاسخ‌گویی
- ۲۳۱ معنای لغوی و اصطلاحی پاسخ‌گویی
- ۲۳۲ ماهیت پاسخ‌گویی حاکمان

۲۳۵	پرسش گری یک حق و تکلیف
۲۳۸	ادله پاسخ گویی
۲۴۴	بخش دوم: هوایب سوء عدم پاسخ گویی حاکمان
۲۴۶	پاسخ گویی حاکمان یعنی حفظ شان شهروندان
۲۴۷	لزوم حسن ظن حاکم به پرسش گران
۲۴۹	ثمرات مثبت پاسخ گویی
۲۵۵	بخش سوم: پاسخ گویی حاکمان از منظر رهبری در نظام جمهوری اسلامی
۲۵۵	امام خمینی و مسئولیت پذیری در برابر مردم
۲۶۰	پاسخ گویی از منظر رهبری نظام پس از امام
	فصل پنجم: ساختارهای دولت در طول تاریخ و مکانیزمهای نظارتی
۲۶۸	بخش اول: ساختارهای سنتی و مدرن دولت و نظارت مردمی
۲۶۹	واژه دولت
۲۶۹	تعریف حقوقی دولت
۲۷۰	واژه ملیت
۲۷۰	عوامل پیدایش ملت
۲۷۱	درباره دولت و تکامل آن
۲۷۳	گرایشهای تحول دولت
۲۷۴	دولت هدف است یا وسیله؟
۲۷۵	هدفهای دولت
۲۷۶	اهداف تشکیل دولت از منظر اسلام
۲۷۸	بخش دوم: روشهای اعمال نظارت بر دولتهای مدرن در جوامع مدنی
۲۷۸	مفهوم جامعه مدنی
۲۷۹	برخی شاخصه های جامعه مدنی دینی
۲۸۰	نقش حکومت در جامعه مدنی دینی
۲۸۰	سابقه نهادهای مدنی در جوامع اسلامی
۲۸۲	فناوری اطلاعات بهترین روش نظارت بر حاکمان

۲۸۴	مزایای فناوری جدید در انجام نظارت
۲۸۵	ثمرات اعمال نظارت با فناوری ICT
۲۸۷	بخش سوم: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظارت مردمی
۲۸۸	نظارت بی واسطه
۲۹۱	نظارت با واسطه
۲۹۲	امام خمینی و بحث نظارت مردمی
۲۹۵	امام و مسأله انتقاد

خاتمه

خاتمه

واقعیتها

ضرورتها

پیشنهاها

فهرست منابع

۳۱۰

مقدمه

چنان گفته‌اند که کاخهای بلند و زیبا، دژهای مستحکم، لشکریان کارا، توانمندیهای وافر و سلاحهای قوی حافظ ملک و مملکت است؛ در پاسخ باید گفت: (با فرض صحت ادعای فوق اینها همه ابزار و وسایل است و باید دید که در خدمت چه کسانی قرار می‌گیرد؟ متردان خیر، صاحبان اندیشه و حکمت، صلاح جویان و اصلاحگران زمان آرامش و چاره‌اندیشان توانا در هنگامه نبرد که از هیچ بعدی از ابعاد حیات، غفلت نمی‌ورزند و از امور عادی زندگی مردم تا مسائل اجتماعی و روابط بین مردم و حکومت و نیز ارتباطات با سایر دولتها و مجامع بین‌المللی، به مدد بهره‌گیری از هنرهای و همکاران خوش فکر، توانا و صالح، همه را با برنامه‌ریزیهای دقیق و مدبرانه به خوبی انجام می‌دهند؛ آری اگر متولیان امر چنین کسانی باشند در درستی گفته بالا شک نیست.)^۱ ولی فراموش نکنیم که پیوسته خطرهای بزرگی در کمین است؛ نفوذ بیگانگان در حکومتها، تقویت خودشیفتگی و استبداد در حاکمان، رواج بی‌دینی و دنیازدگی و انحراف از مسیر فطرت الهی، از جمله همین خطرهایست. مردمانی که از تصمیم‌گیری برای سرنوشت خویش به دورند و در تعیین و تشخیص مصالح و مفاسد جامعه خود به بازی گرفته نمی‌شوند و خواست و اراده آنان در جریان امور نادیده انگاشته می‌شود، هرگز نباید منتظر اقی روشن و آینده‌ای شکوفا باشند. در چنین اوضاعی، حاکم یعنی قانون، اجرا و قضاء و این مسأله

یعنی خود کامگی و فرمانروایی بر محور خواسته‌های شخصی و آرزوهای خوب و بد یک فرد و یا افرادی محدود.

و البته ملتی که در او نشانه‌های حیات باشد و فرزندی دارای اندیشه و همت در خود پرورانده است هرگز تن به چنین ذلتی نمی‌دهد و با استمداد از آموزه‌های دینی و تاسی به بزرگان و راهنمایان طریق حق، ریشه‌های شجره خبیثه طاغوت را بر می‌کشد و شجره طیبه ایمان، عزت، استقلال، شکوفایی و سعادت را به جای آن غرس می‌نماید. و این نیست جز تحقق وعده الهی که فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرِ أَوْسَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ مردان و زنانی که عمل نیکشان ریشه در ایمان دارد زندگی پاک (و جاودان) می‌بخشیم. باید به یاد داشت که هر کسی و با هر شأن و درجه‌ای، در حیات اجتماعی وظایفی دارد که سستی و کوتاهی در انجام آن پذیرفته نیست؛ زیرا تأمین حیات طیبه در دنیا و کیسب عاقبت نیکو و سعادت‌مند در آخرت وابسته به ادای تکالیف و وظایف است و هر کسی به مقتضای حال و جاه خود، شرایط ویژه‌ای خواهد داشت. با این حال، هیچ شکی نیست که فرد حاکم بر سرنوشت جامعه و متولی امور مردم در موقعیتی بسیار خطرناک قرار دارد؛ او احتیاج مبرم به مشورت و بهره‌مندی از نظرهای عقلای قوم و اندیشوران آن دارد. او باید بداند که خطرهای بالقوه فراوان داخلی و خارجی، در کمین ملت و حکومت قرار دارد. پس باید اسباب حکم و حکومت را چگونه که مرضی رضای خداست فراهم سازد و در پاسداری از آن سستی و کم کاری نکند و مهمترین این اسباب، اقامه عدل، اشاعه معارف اصیل دینی و انسانی، جلوگیری از بدعتها، دین ستیزیها، اخلاق گریزیها، تقویت نیروهای مدافع از حریم دین و امت و مملکت و مواردی از این قبیل است. در این میان وظیفه سنگینی بر دوش مردم و شهروندان حکومت اسلامی است؛ که با دیدگانی بیدار و ضمیری روشن و دل‌هایی مالا مال از عشق الهی کار حکومتیان را نظاره کنند و در صورت هرگونه انحراف و بیراهه روی، چون سدی منبع، از طغیان آنان جلوگیری کنند.

چرا که این سنت تغییر ناپذیر الهی است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَتَّخِذُ مَرْفُوعًا حَتَّى يَغْيُرُوا مَا بَأْسُهُمْ»؛ خداوند حال هیچ مردمی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود (ابتدا) اراده تحول و تغییر کنند. بر کسی پوشیده نیست که این رسالت مهم بیش از دیگران بر دوش علما، دانشمندان و فرهیختگان امت سنگینی می‌کند. آنان در مقام پاسداری و حراست از مرزهای دین؛ چون ناظرانی هوشمند، باید که رفتار حاکمان را ببینند و در مواقع لزوم، دست به روشنگری و آگاه سازی بزنند. لکه‌های یأس و سرخوردگی را از لوح دلها بردارند و روح امید و سعادت را بر آن ببارند و به آنان بیاوراند که حق تعالی فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَسَوْفَ لَهُمْ»^۱ و این وعده الهی حق است و تحقق خواهد یافت. قرآن کریم فرمود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يُصِيبُوا الْقُرْآنَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رُكْعٍ»^۲ بگو ای اهل کتاب مادامی که تورات و انجیل و آنچه از سوی خداوند بر شما نازل شده است بر پا ندارید هیچ ارزش و حجتی نزد خداوند برای شما نیست.

خدای سبحان با این کریمه قرآنی به مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر مراقبت و مواظبت نکنید چنانکه یهود و نصاری با عدم اقامه تورات و انجیل و آنچه از سوی حق برایشان آمده بود، دچار تشتت، عداوت و کینه توزی گردیدند، اگر به اقامه و اجرای دین و اصلاح ارتباط خود با خدا، نپردازید به همان سرنوشت گرفتار می‌شوید^۳ و هیچ ارزشی نخواهید داشت. مگر آنکه قرآن را پیا دارید و اوامر و نواهی آن را مراعات کنید؛ در همه اعمال و شئون زندگی به طو را حکیمانه‌ای پیشوایی آن را بپذیرید.^۴ بنابراین باید دانست که از ضروری ترین و مهمترین امور بشری وجود نظام اجتماعی و حکومت عدالت خواه و حافظ حقوق اجتماعی است. زیرا آدمی ذاتاً مدنی و اجتماعی است و نیازهای او جز زیر لوای حکومت برآورده نمی‌شود و لذا هیچ زمانی را نمی‌شود یافت که جامعه بشری خالی از حکومت و دولت بوده باشد. حتی با

۱. رعد (۱۳): ۱۱.

۲. نور (۲۴): ۵۵.

۳. مائده (۵): ۶۸.

۴. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۶.

۵. اسدآبادی و عبده، همان، ص ۱۳۳.

فرض محال، اگر شرایطی حاصل شود که افراد بشر نیز رشد اخلاقی و تکامل مطلوب عدالت و انصاف را در همه سطوح مراعات کنند باز هم نیاز به حکومت مبتنی نیست. چرا که انجام امور عمومی و مرتبط با مصالح جمعی جز در سایه آن میسر نیست.... با مراجعه به کتاب، سنت و آثار فقهی دانشمندان اسلامی (اعم از شیعه و سنی) روشن می‌شود که احکام اسلامی منحصر در مسائل عبادی و مراسم و آداب فردی نیست، بلکه هر آنچه که آدمی در مسیر زندگی فردی و اجتماعی به آن نیاز دارد، شامل معارف، اخلاق، عبادات، معاملات، سیاسات، اقتصاد و روابط داخلی و خارجی در آن لحاظ شده است و این بدان معناست که حکومت در بافت اصلی دین جای دارد و یا به تعبیری اسلام در نهاد خود عبارت است از دین، دولت، عبادت، اقتصاد و سیاست. برای همین است که پیامبر اعظم (ص) با هجرت به مدینه بنای اولین دولت عدالت پیشه را گذارد و اقدامات و تمهیدات لازم را برای پیشبرد اهداف آن انجام داد. پس از پیامبر (ص)، گرچه در نحوه انتخاب حاکم اختلاف حاصل شد اما احدی از مسلمین در ضرورت تشکیل حکومت شک روا نداشت! نکته مهمی که باید از نظر دور نداشت حکومت در اسلام مفید به موازین و قوانین عادلانه و نازل شده از جانب حق تعالی است و رعایت چهارچوب آن حدوداً و بقائاً لازم و ضروری است؛ همین مسأله است که وظیفه فرد فرد امت اسلامی و تمامی آنان را که دغدغه دین و اجرای احکام آن را دارند سنگین و سنگین تر می‌کند و آنان را بر این می‌دارد که از صحت عمل حاکمان و والیان امر اطمینان خاطر، حاصل نمایند و یکی از راههای اساسی تحصیل اطمینان در این مسیر، نظارت شهروندان و آحاد ملت اسلامی بر کار حاکمان و مسئولان امور است.

سؤالات تحقیق حاضر

سر منشأ سؤالات اساسی این کتاب نیز حول محور همین مسأله یعنی نظارت شهروندان بر حاکمان، می‌چرخد، سؤالاتی از قبیل اینکه:

* آیا در جامعه و نظام اسلامی شهروندان می‌توانند بر حاکمان نظارت کنند؟

- مفهوم، معنا و مقصود از نظارت چیست؟
- هدف از نظارت شهروندان بر حاکمان چیست؟
- مبدأ مشروعیت نظارت شهروندان بر حاکمان در نظامهای موضوعه غربی و اسلام چیست؟
- ماهیت نظارت شهروندان بر حاکمان، مبتنی بر حق است، مبتنی بر تکلیف است؟ یا بسان بعضی امور نظیر حضانت طفل ماهیتی دو گانه (حق و تکلیفی) دارد؟
- ادله نظارت شهروندان بر حاکمان از منظر کتاب، سنت، اجماع و عقل چگونه است؟
- گستره نظارت شهروندان بر حاکمان چقدر است؟ آیا تنها در حوزه مسائل و احکام شرعی است و یا رفتارهای فردی و اخلاقی، اجتماعیات، تدابیر و تصمیمهای سیاسی حاکمان را نیز شامل می گردد؟
- وضعیت نظارت بر حاکمان از عهد نبوی تا زمان ما (با تکیه بر گزارشات و منابع تاریخی) در مجموع چگونه بوده است؟
- آیا مردم حق پرسشگری و انتقاد از حاکمان را در نظام اسلامی دارند؟ به تعبیری ماهیت پرسشگری شهروندان حقی است؟ تکلیفی است؟ یا هم حق است و هم تکلیف؟
- در صورت پرسشگری شهروندان، پاسخگویی حاکمان چه حکمی دارد؟ واجب است یا خیر؟ ادله آن چیست؟
- شیوه های نظارت شهروندان، با توجه به تحول و تطور جوامع انسانی از ساده و سستی به پیچیده و مدرن، کدام است؟
- آیا تمسک به شیوه های مدرن نظارت و پرسشگری با توجه به اینکه خاستگاه اولیه آن بلاد کفر بوده است و شبهه تشبه به کفار را در پی دارد، جایز است؟
- نظر بنیانگذار جمهوری اسلامی به عنوان پیاده کننده و تحقق بخش حکومت دینی در عصر غیبت، درباره نظارت و پرسشگری شهروندان و افراد است از حاکمان چیست؟
- رهبری نظام پس از امام خمینی در این باره چه نگاهی دارد؟
- قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان میثاق مردم مسلمان و پیرو مذهب اهل بیت رسول خدا (ص) درباره نظارت چه تمهیداتی چیده است؟

• اگر حاکمی در نظام اسلامی به نظارت و پرسشگری امت پاسخ روا و در خور نداد، وظیفه چیست؟ آیا باید به تذکر دادن و حداکثر اعتراض قوی اکتفا کرد و یا در صورت عدم تمکین تا اسقاط و عزل او پیش رفت؟

و دهها سؤال خرد و کلان دیگر که در لابلای بحثها و به مقتضای هر مورد به طرح آن و ارائه پاسخ پرداخته شده است.

ضرورت تحقیق

با عنایت به سؤالات طرح شده از یک سو و جریان حکومت و نظام اسلامی از سوی دیگر ضرورت این تحقیق روشن تر از آن است که نیاز به اقامه دلیل برای انجام آن داشته باشیم. گرچه بیش از ربع قرن از بنیانگذاری حکومت مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌گذرد ولی کاستیهای فراوانی اینک در همین راستا خودنمایی کرده است و چنانچه بنابر آسیب شناسی متصفانه باشد، باید پذیرفت که یکی از عمده دلایل مشکلات پیش روی نظام، برخاسته از فقدان نظارت شهروندان و به تعبیر دینی آحاد امت اسلامی بر عملکرد متولیان و متصدیان امور است. برای درمان این آسیبها و هر چه نزدیکتر شدن موقعیت نظام به شعارهای راستین و زلال اوایل انقلاب چاره‌ای جز عنایت ویژه به شأن و جایگاه مردم و آگاه کردن آنان بر این مهم که نظارت بر کار حاکمان ماهیتی دوگانه و مرکب از حق و تکلیف دارد و سستی و بی‌عملی در این عرصه به ویژه از سوی دانشمندان، فرهیختگان و توانمندان اندیشور مساوی است با سر باز زدن از انجام وظایف اجتماعی و دینی. ضمناً آنان که نسبت به حفظ و حراست از حاکمیت دینی حمیت و غیرت بیشتری دارند، در این راستا وظیفه سنگین تری دارند. از شهید مظلوم دکتر بهشتی جمله‌ای به این مضمون به یادگار مانده است که فرمود: اگر کسی ادعا کند که هر آنچه در نظام جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، کامل، صحیح، وفق مراد و بی‌عیب و ایراد است؛ این یعنی حماقت، اگر کسی بگوید تمام آنچه از سوی حکومت صورت می‌پذیرد، بد و پر نقص و سراسر عیب و ایراد است؛ این یعنی خیانت و اگر پذیرفتیم که در کنار موفقیتها، دستاوردهای قابل ستایش و محاسن فراوان، آسیبها، نقص و ایرادهای زیادی نیز هست و برای رفع آنان کوشش و تلاش نمودیم و برنامه و طرح ارائه کردیم، این می‌شود حمایت. پس مدافع نظام بودن و حامی آن شدن به معنای چشم بر کاستیها بستن و ره تمجید و تملق در پیش گرفتن

و بیراهه رویها را توجیه کردن و یا همه مشکلات را به دوش خارجی‌ان انداختن نیست. همان گونه که باید مواظب بود تا با افراط در انتقاد، نظام اسلامی را در انتظار و افکار عمومی داخلی و خارجی پیوسته در کرسی اتهام قرار نداد چنانکه امام خمینی فرمودند:

انتقاد اینقدر نکند بدون جهت، بهانه گیری نکند بدون جهت که این به نفع دشمنان ماست. هر روز نگویید انقلاب شد و هیچ نشد. این خیانت به ملت است.^۱

و ما امیدواریم که با رعایت انصاف، قدم کوچکی را در این هدف بلند برداشته باشیم.

جدید بودن موضوع

نکته دیگر آنکه بحث نظارت، به ویژه با نگاه دینی و فقهی، در مجموع موضوعی جدید است؛ بنابراین گامهای برداشته شده در این مسیر تنها به منزله شروع می باشد. این موضوع کتابهای تالیفی چندانی به خود ندیده است و یا همچون سایر ابواب و موضوعهای فقهی فصل یا بخشی از مطالعات و بررسیهای علمای اسلامی را به خود اختصاص نداده است تنها می توانم بگویم قبل از انجام این پژوهش کتابی با عنوان رقابة الأمة علی الحکام را دیده ام و در اثنای تحقیق با مقالات بعضی از نویسندگان مواجه شده ام و نیز مجله حکومت اسلامی شماره ۳۳ در سال ۱۳۸۳ طی ویژه نامه ای به موضوع نظارت و پربشگیری پرداخته بود و بعضی از مجلات و جراید نیز کم و بیش در اطراف موضوع مطالبی و مقالاتی به صورت ویژه نامه و یا تک نگاری نوشته اند که البته بسیار محدود است. همین مسأله - جدید بودن موضوع و کمبود منابع مطالعاتی نظام مند و آکادمیک - کار بنده را در این تحقیق در مراحل مختلف از روانی و سهولت باز می داشت. هر چند که دست یاری جویی ام به سوی صاحبان علم و اندیشه دراز بود و در این زمینه افراد زیادی به ویژه استاد بزرگوار جناب آقای دکتر مصطفی محقق داماد و برادر گرامی ام جناب آقای دکتر کاظم قاضی زاده کمکهای فراوان و راهگشایی داشتند که صمیمانه و متواضعانه در پیشگاهشان زانوئی ادب می زنم و به سپاسگزاری می نشینم.

در آخرین فرصت تدوین این کتاب از وجود پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «نظارت بر قدرت سیاسی در اسلام شیعه» به راهنمایی آقای دکتر محسن کدیور مطلع شدم که در دانشگاه امام صادق^(ع) به تاریخ ۱۳۷۵ به همت آقای توحید محرمی تدوین شده است؛ طی چندین ساعت به مطالعه پایان‌نامه فوق پرداختم. در اینجا در کمال ادب و تواضع به بررسی و نقد موجز آن می‌پردازم تا انشاءالله فضل تقدّم تحقیق در موضوع نسبت به این پژوهش، برای صاحبان آن محفوظ ماند.

الف) مشابهت موضوع این کتاب با آن پایان‌نامه به ویژه در نگاه اول بسیار زیاد است. اما این مسأله هیچ‌گاه به معنای استغنائی از تلاشهای جدید و غیر ضروری بودن، پرداختن به موضوع نیست.

ب) اطلاع زودتر از وجود آن نوشتار موجبات بهره‌وری بیشتر از مطالب آن را فراهم می‌ساخت که به هر صورت چنین نشد.

ج) پایان‌نامه مزبور با گرایش علوم سیاسی و برای اخذ مدرک در همان رشته نگارش یافته و یکی از وجوه افتراق آن صبغه فقهی نوشته حاضر می‌باشد، برای مثال در صفحه ۱۴ ذیل عنوان «منظور ما از نظارت» آمده است «نظارت در حقیقت برای پیشگیری از فاسد شدن حکومت و حاکم انجام می‌پذیرد» که یک نگاه آلی و فنی به نظارت است بی‌هیچ انکاری نسبت به نتیجه عمل نظارت باید توجه کرد که در فقه فارغ از هدف و نتیجه، سخن از حق و تکلیف است و به دنبال یافتن وظیفه افعال عباد هستیم.

د) پایان‌نامه مزبور در ۱۳ فصل تنظیم شده است که پس از کلیات، به بررسی مواردی پرداخته است از جمله، نظارت بر قدرت سیاسی در غرب، اندیشه متقدمین و متأخرین اهل سنت، اندیشه شیعه و تقسیم‌بندی نظرات آنان به دو گروه عمده: ۱- نظریه‌های مبتنی بر مشروعیت الهی (الف: سلطنت انتصابی عامه فقیهان؛ ب: ولایت انتصابی مطلقه فقیهان؛ ج: سلطنت مسلمان ذی شوکت (حکومت مشروعه). ۲- نظریه‌های مبتنی بر مشروعیت مردمی با رعایت ضوابط الهی (الف: حکومت مشروطه؛ ب: نظارت مرجع و خلافت مردم؛ ج: حکومت انتخابی بر مبنای قوانین اسلامی؛ د: ولایت انتخابی مقیده فقیه؛ ح: وکالت مالکان شخصی مشاع). از نکته‌های مثبت بررسی انجام شده تبیین و تقسیم‌بندی نظریه‌های مختلف و بیان تلاشهای صاحبان آن می‌باشد نظیر آنچه که در فقه تحت عنوان تاریخ فقه و فقها تحقیق

شده است ولی بررسی جدی و نظام مندی درباره استدلالهای ارائه شده توسط صاحبان هر نظریه و مستندات آن (ادله اربعه) انجام نشده است.

در فصل ششم ذیل عنوان انواع نظارت درونی که مقصود همان خود نظارتی^۱ می باشد از عدالت و وجدان نام برده شده است و از مواردی نظیر، خداوند، فرشتگان، انبیا و اولیا که طبق آیاتی از قرآن از آنها به عنوان ناظران یاد می شود سخنی به میان نیامده است. آیا آنان در زمره ناظران بیرونی محسوب می شوند؟

در فصل هشتم، ضمن پرداختن به ادله عدم کفایت نظارت درونی، مفاسد قدرت مهار نشده و نظارت ناپذیر، چنین بر شمرده شده است: ۱- استبداد؛ ۲- رواج نفاق؛ ۳- ارج و منزلت دروغین؛ ۴- رواج تقدیرگرایی دروغین؛ ۵- اسطوره زدگی؛ ۶- عدم توجه حاکمیت به برتری قانون؛ ۷- سلب آزادیهای مردم؛ ۸- رواج بی اعتمادی و سوء ظن؛ ۹- مسدود بودن باب انتقاد؛ ۱۰- نفوذ فرصت طلبان

گرچه تمام موارد مذکور درست است اما هیچ کدام مستند و مستدل به ادله اربعه آن گونه که در شیوه استدلال فقهی مرسوم است نشده، گرچه می توانیم بگوییم که نویسنده در مقام بررسی فقهی نبوده است. نویسنده در ادامه (ص ۱۲۹) قدرت را در غیر معصوم فسادآور دانسته است و نظریه کتاب قدرت، انسان و حکومت را تخطئه کرده است، آیا معنای سخن آن است که غیر معصوم در مسند قدرت قهرأ چاره ای از ارتکاب خطا و اشتباه ندارد؟ ما نظارت را بر حاکم لازم می دانیم اما از باب حق و وظیفه. آحاد مردم و همچنین از باب احتیاط در امور مهمه که قابل گذشت نیست. ضمن اینکه نظارت مردمی در حکومت معصوم^(۲) نیز لازم است چون اولاً همکاران او معصوم نیستند، ثانیاً، رفتار آنان (معصومین^(۳)) در امور عمومی نظارت پذیری را ثابت می کند.

یکی از سؤالات جدی این است که با فرض قائل شدن نقش نظارتی برای مرجع دینی ارتباط آن با نظارت مردمی - موضوع بحث ما - چیست؟ مگر آنکه مرجعیت را نصباً نماینده مردم بدانیم و یا آنکه نهاد مرجعیت را یکی از نهادهای جامعه مدنی دینی فرض کنیم که در آن پایان نامه به این جهات اشاره نشده است.

در فصل دهم ذیل انواع نظارت امر به معروف نوعی از نظارت سنتی دانسته شده و حال آنکه امر به معروف و نهی از منکر ذی‌المقدمه و دلیل نظارت است و نه نفس نظارت. ضامن آنکه در مقابل واژه سنتی، واژه مدرن مطرح می‌شود که انواع نظارت مدرن نیامده است. به ادله باب نصیحت به طور اختصار پرداخته شده، اما از ادله وجوب ارشاد جاهل سختی به میان نیامده است. همچنین نظر امام خمینی در باب نصیحت اصلاً ذکر نشده است. از عنوان نظارت‌های نهادینه شده مجلس خبرگان (ص ۱۹۴) بر می‌آید که مقصود پایان‌نامه از نظارت بر قدرت سیاسی تنها نظارت بر رهبری و حاکم عالی جامعه است، بنابراین به مواردی چون سازمان بازرسی کل کشور و غیره نمی‌پردازد. ولی ما می‌خواهیم فرهنگ نظارت مردمی را به عنوان یک حق و تکلیف در همگان و همه سطوح نهادینه کنیم. البته ممکن است به قاعده اولویت برای نظارت سطوح پایینی تمسک شود. اما واقعیت این است که بر اساس «کلکم مسئول عن رعیه» باید در تعمیم قفیه تلاش جدی تری کرد.

فرضیه‌های تحقیق مزبور که طی شش بند طرح شده است مشابهت زیادی با سؤالات تحقیق این رساله دارد ولی بسیاری از سؤالات دیگر که در تحقیق حاضر آمده است و از نظر گذشت، در آنجا ذکر نشده. ضمن آنکه تلاش ما در اینجا نگاهی فقهی و ارائه استدلال‌هایی به شیوه مرسوم می‌باشد و در پایان نامه مزبور بیشتر فرضیات یا مفروض انگاشته شده است و یا استدلال جدی برای مدعاها نشده است. آخرین سخن آنکه ما در اینجا به دنبال اثبات نظارت مردمی از دیدگاه فقه هستیم و ارائه راهکارها و مکانیزم آن مطلبی دیگر است.

نکته دیگر آنکه شیوه بحث در این نوشتار کتابخانه‌ای و به سبک تحلیل محتوایی داده‌ها و اطلاعات موجود می‌باشد.

امید است که این قدم ناچیز، از جانب رهبری که دوست‌دار دانش و اندیشه است و در چنته چیزی جز بضاعت مزجاة ندارد، کمکی باشد به گامهای بلند و استواری که محققان بزرگ و استوانه‌های علم و ادب در این راه بر می‌دارند.

و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین

قاسم جعفری